



○ همراه باد در دل تنهایی کویر

○ منوچهر طبیب

○ کتاب خورشید، ۱۳۸۱

جعفر طبیب منتقد فیلم، مترجم، نویسنده و کارگردان بیش از هشتاد فیلم مستند و آموزشی است.

همراه باد... نشان دهنده راه‌های رفته است، به شهرها و مکان‌های دورافتاده، کاروانسراها، مراکز مذهبی. فیلمی که این همه را آن گونه نشان می‌دهد، گونه‌ای علمی، اما به شکل افسانه‌ای. داستان به نحوی غیرمتعارف در سینمای مستند بیان می‌شود. فیلمی که در سال ۱۳۷۹، توسط منتقدان سینمایی اروپا برای هفته منتقدین در چارچوب جشنواره سینمایی لوکارنو-سویس از بین نود فیلم مستند از سراسر جهان به همراه شش فیلم دیگر برگزیده شد. در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ نیز در جشنواره‌ی بین‌المللی سینمایی مستند شهرتورتو ایتالیا، لوح سیمین، جایزه ویژه رشته اکتشاف این جشنواره را برای بهترین فیلم‌نامه کارگردانی دریافت کرد. فیلمی که جغرافیای زیبا و شگفت‌آور کویرهای ایران را به نمایش می‌گذارد.

چرا انسان ایرانی را با این سرزمین کاری نیست یا اگر هم هست همان قدر که با سطح کره ماه. برای ایرانی کویر جایی بوده و هست که بودن در آن برایش آب و نانی ندارد پس چرا بدانجا راه گم کند؟

طیب از ابتدای آشنایی با کویر، مطالعات جسته و گریخته‌ای در حوزه معماری و شهرسازی، کسب و کار و کشاورزی و آثار تاریخی این سرزمین داشته و از ادبیات موجود چون سفرنامه‌های ناصر خسرو، ابن حوقل و... در مستند سازی‌ها یا تدریس در دانشکده‌ها استفاده کرده است.

آثار سون هدین، خانیکف و به ویژه آلفونس گابریل زمینه‌ساز مطالعات جدی او شده است. و همین امر عاملی بوده برای شروع سفرهایی در کویر از سال ۱۳۶۸ که هشت نه سالی به طول کشید. به قول گابریل کویر جایی است که هر کس یک بار گرفتار آن شود دیگر رها نخواهد کرد. نتایج سفر طبیب تا قبل از تهیه فیلم «همراه باد در دل تنهایی کویر» بیش از هزار عکس و اسلاید و خروارها یادداشت بوده است. در واقع فیلمی «وانگه روان جهان گله کرد» آغازی بود برای ماجرای تهیه فیلم «درباره‌ی کویر». فیلمی درباره اوستا و زرتشتیانی که در دل کویر و در شهر زیبایی یزد و قریه‌های اطراف آن زندگی می‌کنند.

طرح تهیه فیلم‌هایی در رابطه با کویر سال‌ها فکر طبیب را به خود مشغول کرد تا اینکه این فرصت توسط دفتر تولید شبکه یک سینما فراهم شد. نقشه مسیره بررسی و اسلایدها دیده شد و مقدمات سفر آماده گشت.

مسجد جامع ورامین نقطه آغاز این سفر است، مسجدی چهار ایوانی که ورامینی‌ها معتقدند که این قلعه را فریدون بنا کرده

است. مقدمات فیلمبرداری از مراسم عزاداری مردم نایین و ایبانه در روزهای تاسوعا و عاشورا گام بعدی است. و سپس زواره، شهری کویری با بافتی هوشمندانه و طراحی صحنه‌ها که طبیب سعی دارد نسبت آدم هاومعماری این کوه‌های تنگ و آن میدانچه‌ها و تکیه گاه‌ها و گذرگاه‌های طاقدار را به خوبی نشان دهد و اینکه چگونه مردم این شهر خود را در برابر مهاجمان تجهیز می‌کردند و در مقام دفاع بر می‌آمدند. از این رو وی در این سکانس تیزه را پیش کشیده است.

سپس نایین، انارک، عشین، چوپانان، جندق و خور که یک هفته به طول می‌کشد. در حوالی جندق به وسعت یکصد در سی کیلومتر، یکی از بزرگترین انبارهای تپه ماسه‌ای روان است، با گودال‌هایی به ژرفای پنجاه تا شصت متر که در بین این تپه‌ها ماسه‌ها ایجاد می‌شود.

در واقع بخشی از کمربند وسیع ماسه که طبیب و گروهش قصد عبور و فیلمبرداری داشتند. در نزد اهالی کویر به ریگ حسن معروف است و در نظر ساکنان ماسه زارهایی است که محل ملاقات با ارواح خبیثه است.

به قول گابریل در انزوای مطلق، گذر زمان مفهومی ندارد، اما مصداقش را در جندق می‌توان دید. به گفته‌ی طبیب آدمی به هنگامی که از عشین و جندق می‌گذرد غمی بزرگ بر دلش می‌نشیند، دنیایی کهنه که روزی سرپناه کاروانیان بوده و امروزه در حال مرگ است. سپس خور و بیابانک در یکصد و هشت کیلومتری جندق. در ادامه و از راه عروسان و محمدآباد کوره‌گز راهی کویر «دم‌دار» شده و سپس حرکت به سوی کوه دم دار و کوه ایرکان که در سال ۱۹۲۸ گابریل خودش را به آنجا رسانده بود.

در نزدیکی‌های یزد، بیش از هر چیز دخمه‌ها یا برج‌های خاموش‌شان جلب نظر می‌کند که تا چهل پنجاه سال پیش پر از اجساد در گذشتگان زرتشتی بوده است، تا در هوای آزاد و زیر آفتاب سوزان کویر پوسیده یا طعمه پرنندگان شوند.

یزد، آتش تخت نشین و آتشکده معروف وره‌رام، آتشی که مظهر روشنایی و پاکی است و از نیم قرن پیش این آتشکده فروزان است. پیر سبز چک چکو در ۶۳ کیلومتری یزد و مراسم سالانه‌ی پیر سبز چک چک که در اصل مراسم حج زرتشتیان است و زیر نظر موبد آتشکده اردکان انجام می‌شود.

سپس در کرانه جنوبی کویر به طرف جنوب شرقی از راه چاله بافق و زرنند تا کویرهای اطراف کرمان و بم و شهداد و...